

فوره، گابریل (۱۸۴۵-۱۹۲۴م)

با آنکه گابریل فوره بانی مکتب امپرسیونیست نیست، اما او را از پیشروان این مکتب می‌شمارند. گابریل فوره در سال ۱۸۴۵ م. در پامیه به دنیا آمد. خانواده او اهل موسیقی نبود اما گابریل کوچک استعداد وافری در این هنر از خود نشان داد به طوری که پدرش در نه سالگی او را به مدرسه نیدرمیر در پاریس فرستاد تا اصول موسیقی را فراگیرد. در مدرسه موسیقی نیدرمیر خلاف کنسرواتوار پاریس، به موسیقی کلاسیک قدیم و اصول گرگوری توجه بسیار می‌شد و فوره نیز در سال ۱۸۶۵ م. با اطلاعات عمیقی از دوره‌های گذشته تحصیلات مدرسه را به پایان رساند. از این سال فوره به تصنیف قطعات پیانو و آواز پرداخت و یک بالاد برای پیانو و ارکستر و یک سونات بسیار زیبا برای ویولون نوشت.

در سال ۱۸۸۳ فوره با دختر فرمیه مجسمه‌ساز معروف ازدواج کرد و از آن به بعد زنش هم در تامین مخارج زندگی به او کمک می‌کرد و به این طریق آهنگساز قانع و بی‌اعتنا به امور دنیوی توانست با آسودگی بیشتر به کار خود بپردازد. یکی از کارهای مهم فوره در این زمان تصنیف پنج ملودی بر مینای منظومه‌های ورلن بود. به علاوه وقتی نخستین بار تئاتر پلناس و ملیزاند از موریس مترلینگ به نمایش درآمد فوره برای بعضی از صحنه‌های آن قطعات موسیقی نوشت. در سال ۱۸۹۶ م. فوره به سمت ارگانیست کلیسای مادلن و سال بعد به استادی کنسرواتوار پاریس منصوب شد. در موسیقی تاتر فوره به سال ۱۹۰۰ م. پرومته تصنیف کرد. این اثر عالی که به واسطه وسعت ارکستر و آواز در نخستین نمایش موفقیت بسیار یافت در ردیف عالی‌ترین آثار موسیقی فرانسه در قرن نوزدهم میلادی درآمد. اما مهم‌ترین اثر فوره در این زمینه پیلوپ بود که به سال ۱۹۰۷ م. در پیانو، دو سونات و ویولنسل، تریو، یک فانتزی برای پیانو و ارکستر مجلسی، کوارت زهی و دو کوئنتت از او به یادگار مانده‌است. گابریل فوره از سال ۱۹۰۵ م. به ریاست کنسرواتور موسیقی پاریس منصوب شد ولی او مانند بتهوون به ضعف شنوایی دچار شد و چون به تدریج حساسیت شنوایی را از دست داد، در سال ۱۹۱۹ م. او را از ریاست کنسرواتور برکنار کردند. فوره با آنکه در اواخر عمر خود کاملاً ناشنوا شده بود، مع‌هذا از کار موسیقی غفلت نمی‌کرد و با حس شنوایی که در ذهن خود داشت، اثری در موسیقی به وجود آورد که از مهم‌ترین آنها به کوارتت زهی، نکتورن سیزدهم و ملودی‌هایی مانند، سراب و افق می‌شود اشاره کرد. موسیقی فوره دارای بیانی شیرین و لطف خاصی است. او در همه آثار خود به زبان ملودی توجه داشت ولی در بسیاری از اوقات، از قواعد موسیقی کلاسیک منحرف شده و راه نویی پیموده‌است. در واقع او پیشوای بزرگ کلود دبوسی و موریس راول بود که بعدها مکتب امپرسیونیست را بنیان گذاشتند. فوره در هر گرایشی از موسیقی، آثاری به یادگار گذاشت. اما نکته قابل توجه آن است که این ارگانیست هیچ‌گاه برای ارگ آهنگ نساخت و به جز یک رکویم در موسیقی مذهبی، اثری به جا نگذاشت. مهم‌ترین آثار فوره در موسیقی وازی، ملودی اوست که بین آنها «گل‌های اصفهان»، «گهواره‌ها»، «راز»، «لیدیا»، «مهتاب»، «گورستان، اسکاها»، «جنگل ماه سپتامبر»، و گل سرخ، و ارقاصه معروف است. بعضی از آوازهای فوره در یک دوره جمع آوری شده که در بین آنها «آواز حوا»، «باغ مسدود»، «سراب» و «افق موهوم» مهم‌تر است. در موسیقی پیانو چند والس، کاپریس، امپرتور رمانس، نکتوران، بار کارول، واریاسیون، و پرلور تصنیف کرد، اما «فانتزی برای پیانو و ارکستر» یکی از آثار عالی گابریل فوره است. آثار موسیقی تئاتر فوره چند قطعه موسیقی صحنه مانند «کالیگولا»، «پلئاس» و «میزاید» و مخصوصاً «شایلوک» است که موسیقی آن برای نمایش بازرگان ونیزی اثر شکسپیر ساخته شده است. دو اثر بزرگ فوره، «پرومته» و «پیلوپ» نماینده تحول بزرگی است که در موسیقی اپرای کیم صورت گرفته‌است. از مختصات موسیقی فوره طنین ارکستر و لطف و زیبایی خاص آهنگ‌ها است.

تاریخ موسیقی، فرهنگ دانش و هنر، فرهنگ بزرگ موسیقی
نواغ و مشاهیر معلول جهان - گردآورنده: منصور برجیان

Gabriel faure .۱